

بهشت و بهشتیان در سوره یاسین

مریم سواد کوهی

چکیده

آیات ۵۵ تا ۵۸ سوره یاسین به برخی از انواع نعمت های بهشتی و حالات بهشتیان اشاره دارد.

۱. «شُغْل»: به معنای حوادث و حالاتی است که برای انسان روی می دهد و او را به خود مشغول می سازد و مقصود از آن در سوره یاسین این است که بهشتیان به امور مسرت بخشی مشغول می شوند. چون واژه «فاکھون» به معنای خوشحال و خندان است.

۲. «ازواج»: به معنای همسران بهشتی یا همسران با ایمانی است که در این دنیا داشته اند که بر تخت هایی در حجله گاه ها در کنار آن هستند.

۳. بهشتیان علاوه بر آن که میوه مخصوص دارند: از میوه ها و غذاها هر چه بخواهند برای ایشان آماده می شود.

۴. بهشتیان چون در دنیا تابع اراده خدا بودند، در بهشت همه چیز تابع اراده آنهاست.

۵. بهشت و سایه لطف و سلام گرم خدا در بهشت منتظر شماست.

شُغْل مسرت بخش، همسران نیکو، تخت راحت و غذای مورد پسند و پیوند محبت آمیز با خدا مایه خوشبختی شماست - یعنی بهشتیان - . و در بهشت از هر سو سلام است. خدا به آنان سلام می کند: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس، ۵۸/۳۶).

در این مقاله با محوریت آیات سوره یاسین به برخی از حالات بهشت و بهشتیان اشاره می شود.

کلید واژه ها: بهشت، بهشتیان، نعمت، شغل، ازواج، میوه ها، سلام.

مقدمه

خداوند باری تعالی می فرماید: «هر کس که مرا طلب کند، می یابد و آن کس که مرا یافت، می شناسد، و هر کس که مرا شناخت، دوست می دارد و آن کس که دوستم داشت، به من عشق می ورزد و هر کس که به من عشق ورزید، من نیز به او عشق می ورزم و آن کس که به او عشق ورزیدم او را می کشم و کسی را که من بکشم، خون بهایش بر من واجب است و هر کس که خون بهایش بر من واجب شد، پس من خود خون بهایش هستم»^۱.

با درد بساز چون دوی تو منم در کس منگر که آشنای تو منم

گر بر سر کوی عشق ما کشته شوی شکرانه بده که خون بهای تو منم^۲

خدای بزرگ بندگان خود را خلق نکرد مگر برای معرفت به خودش؛ پس هنگامی که او را شناختند، عبادتش می کنند و اگر او را عبادت کنند، با عبادت خدا از غیر خدا بی نیاز می شوند. و معرفت خدا چیزی جز شناخت و معرفت اهل هر زمان از امامشان که اطاعت از او بر آنها واجب است، نیست. لازمه شناخت و معرفت حضرت حق (جل جلاله) کامل شدن معرفت انسان به ائمه اطهار (ع) است. اگر کمالات و کرامت انسان را دریابیم، می بینیم که هر ذره از آن عشق به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است.

اما عشق را آن حالت محبت و ذوق و اشتیاق گویند که شخص به غیر از محبوب و معشوق خویش چیزی را نبیند و نخواهد. قدرت این عشق چنان قوی ست که می تواند همچون اکسیر وجود آدمی را کیمیا کرده و تغییر حالت دهد. هر انسانی که تمام وجودش را برای خدا و در راه او در طبق اخلاص نهد، خدای متعال نیز او را یاری می رساند. انسانی که همه وجودش خدا شد و همه اهداف و امور زندگیش خدا شد تنفسش برای خدا، راه رفتنش برای او، کار کردنش، حرف زدنش، نگاه دیدش، اخلاقش، همه چیزش برای او شد خداوند می فرماید: این انسانی که همه چیزش برای من شد، من هم او را پاداش می دهم، به جهت این همه چیزش تابع اراده من بود، من هم آن جهان را تابع اراده او

می‌کنم و از هر چیز که تمنا کرد به او می‌دهم و او را شراب طهور می‌نوشانم و آن انسانی که در برابر مشکلات و مصیبت‌ها صبر و استقامت می‌کند و به رضای خداوند راضی می‌شود هر چند خداوند برای او رقم زده می‌پذیرد آنجاست که خداوند می‌فرماید: به جهت صبر و استقامت و شکیبایی بنده‌ام در برابر مقدرات من به او پاداش بهشت را می‌دهم و از او تشکر و قدردانی می‌نمایم.

انسان که جانش با خداوند عجین شد، دیگر خواسته‌ای غیر از خواسته‌اش او نمی‌طلبد و قلبش به سوی خدا و عملش برای خداست. خدای متعال می‌فرماید: «ای فرشتگان من! شما شاهد باشید که من از بنده خود به جهت این که در سختی‌ها شکیبایی می‌ورزد و آسایش را درخواست نمی‌کند، راضی‌ام، و برای بنده‌ام هر آنچه که بخواهد در بهشتم فراهم است».

خدای متعال می‌فرماید: «سوگند به عزت و جلالم، من مهربان‌ترینم به بنده‌ام و من برای بنده‌ام بهتر از مال برای تاجر و پیشه برای پیشه‌ورم، و در روز رستاخیز بنده و ولی من عذاب نمی‌شود و بیمی نیز بر او نیست و خوشا بر احوالشان».

انواع نعمت‌های بهشت و حالات بهشتیان در سوره یاسین

«إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ*هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِنُونَ* لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ*سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس، ۵۵-۵۸)؛ «در این روز اهل بهشت کار و باری خوش در پیش دارند، آنها با همسرانشان در زیر سایه‌ها بر تخت‌ها تکیه می‌زنند، در آنجا برای آنها [هر گونه] میوه است و هر چه دلشان بخواهد، از جانب پروردگار [ی] مهربان [به آنان] سلام گفته می‌شود».

در این آیات از سوره یاسین به برخی نعمت‌های بهشتی و حالات بهشتیان اشاره شده است که از جمله آنها: شغل مسرت بخش، همسران نیکو، تخت راحت و غذای مورد پسند و پیوند محبت آمیز با خدا که مایه خوشبختی بهشتیان است. و در هر حال خدا به آنان سلام می‌فرماید: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس، ۵۸ / ۳۶)؛ «[فرشتگان رحمت] بر آنان از خدای مهربان سلام و تحیت رسانند» و در بهشت، بیکار نیست. شُغْل به معنای مشغله‌ای است که کنه و عمق آن ناشناخته و وصف ناپذیر است. در بهشت غم و اندوه نیست. در

بهشت، زندگی بدون مرگ، سلامتی بی مرض، جوانی بی پیری، عزت بی ذلت، نعمت بی منت، بقای بی فنا، خشنودی بی خشم و انس بی وحشت است. در بهشت تنهایی نیست. مسکن بهشتی آرامش بخش است. در بهشت بهترین تغذیه است. در بهشت محدودیت نیست. «وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ» (یس، ۵۷/۳۶)؛ «به معنای آن است که هر چه می خواهی بخواه و تمنا کن». معاد جسمانی است، کلمات میوه و همسر و تخت نشانه آن است که در قیامت با همین جسم زندگی خواهیم کرد. در بهشت، رضا و سلامی با عظمت از خدا دریافت می شود. دریافت سلام الهی، آرزو و خواسته بهشتیان است.^۳

اهل بهشت و همسرانشان که در دنیا مَحْرَم ایشان بودند و از مؤمنات بودند، و یا «حورالعین» که همسران بهشتی ایشانند، در سایه ها و یا در زیر سایبان هایی که ساتر از آفتاب یا هر حرارت دیگری است، قرار دارند، و بر پستی ها به عزت تکیه می کنند. «فَاكِهِةٌ» به معنای مطلق میوه است؛ سیب، پرتقال و امثال آنها. مردم در بهشت میوه و نیز هر چه را تمنا و اشتها کنند و بطلبند در اختیار دارند. اصحاب بهشت در آن روز در کاری هستند که توجهشان را از هر چیز دیگری قطع می کند؛ آن کار عبارت است از: گفت و شنودهای لذت بخش، و یا عبارت است از تنعم در بهشت.^۴

در سوره دهر از آیات ۱۲ تا ۲۲ انواع نعمت های بهشتی و حالات بهشتیان عنوان شده است: در آیه ۱۲ این سوره آمده است: در برابر صبرشان بهشت و پرنیان - لباس های حریر - بهشتی را به آنها پاداش می دهد.

انواع نعمت های بهشتی و حالات بهشتیان در سوره «انسان»

آیات سیزده تا بیست و یکم سوره «انسان» نیز به برخی از انواع نعمت های بهشتی و حالات بهشتیان اشاره گردیده است: «مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا* وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ أَطْوْفُهَا تَدْلِيلًا* وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا* قَوَارِيرٍ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا* وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرَاجِحًا زَنْجَبِيلًا* عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا* وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثورًا* وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمَلَكًا كَبِيرًا* عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوْا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا*» (الانسان، ۷۶ / ۲۱-۱۳)؛ «[بهشتیان] در بهشت بر تخت های [خویش]

تکیه کرده اند، نه آفتابی را در آنجا می بینند و نه سرمایی، و سایه های [درختان بهشتی] بر آنها نزدیک است و [چیدن] میوه هایش بسیار در دسترس و آسان است، و در گرداگرد آنها ظرف هایی سیمین و قدح هایی بلورین می گردانند، ظرف های بلورینی از جنس نقره که آنها را درست به اندازه [و در کمال ظرافت] آماده کرده اند، و به آنها از جام هایی می نوشاند که لبریز است از شراب طهوری آمیخته با زنجبیل از چشمه ای در آن جا [= بهشت] به نام سلسبیل است، برگردشان [برای پذیرایی] پسرانی جاودانی می گردند که هرگاه آنها را ببینی، گمان می کنی مروارید پراکنده اند، و هنگامی که آنها را می بینی، نعمت و سرزمینی پهناور را می بینی، به اندام آنها [= بهشتیان] لباس هایی از حریر نازک سبزرنگ، و از دیبای ضخیم و یا دستبندهایی از نقره آراسته اند، و پروردگارشان شراب طهور به آنها می نوشاند. خدای متعال در برابر آن همه استقامت و ایثار، آنها را در باغ های مخصوصی از بهشت جای می دهد و بهترین لباس ها را بر تن ایشان می پوشاند. اساساً، پاداش های قیامت، در مقابل صبر و شکیبایی انسان است - صبر در طریق طاعت، صبر در برابر مصیبت و صبر در برابر مشکلات و مصائب -.

در سوره رعد می خوانیم فرشتگان به بهشتیان چنین خوشامد می گویند: «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ» (الرعد، ۲۴/۱۳)؛ «درود بر شما به خاطر صبر و استقامتی که داشتید» در سوره مؤمنون آمده است که «إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ» (المؤمنون، ۱۱۱/۲۳)؛ «من امروز آنها را به خاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم آنها پیروز و رستگارند». در آیه سیزدهم سوره انسان نیز آمده که آنها بر تخت هایی زیبا تکیه کرده؛ نه گرمی آفتاب را می بینند و نه سردی هوا.

این نعمت، اشاره به آرامش و راحتی کامل آنها در سرای دیگر است؛ چرا که انسان ها در دنیا معمولاً در حالت آرامش در چنین حالتی به سر می برند. این موضوع اشاره به این حقیقت دارد که با وجود سایه های درختان بهشتی تابش ناراحت کننده خورشید در بهشت وجود ندارد.

آریکه: جمع آن «ارائک» در اصل به تخت هایی می گویند که در حجله عروس می نهند و منظور در اینجا تخت های زیبا و فاخر است. هنگامی که بهشتیان در بهشت هستند، ناگهان نوری همچون نور آفتاب مشاهده می کنند که صحنه بهشت را روشن می سازد؛ در

این هنگام بهشتیان به «رضوان»- فرشتهٔ مأمور بهشت- می گویند: این نور چیست؟ با این که پروردگار ما فرموده است: در بهشت نه آفتاب را می بینند و نه سرما را؟ او در پاسخ می گوید: این نور خورشید و ماه نیست، علی (ع) و فاطمه (س) هستند که خندان شده اند و بهشت از نور دندانان روشن گشته است.

در آیه چهاردهم از سورهٔ انسان آمده که بهشتیان در حالی که سایه های درختان بهشتی بر آنها فرو افتاده، و چیدن میوه هایش برای آنها بسیار سهل و آسان است، در بهشت جاودان الهی به سر می برند. نه مشکلی وجود دارد، نه خاری در دست می رود، و نه احتیاج به تلاش و حرکتی برای چیدن میوه ها است.

اصول حاکم بر زندگی انسان در آن جهان، با این جهان بسیار متفاوت است و آنچه درباره نعمت های بهشتی در این آیات و آیات دیگر قرآن آمده است، تنها اشاراتی است پر معنا به آن مواهب عظیم، وگرنه طبق تصریح بعضی از روایات، در آنجا نعمت هایی است که هیچ چشمی ندیده، هیچ گوشی نشنیده و بر اندیشه هیچ کس نگذشته است. این عباس بیان کرده است که آنچه را خدای متعال در قرآن از نعمت های بهشتی نام برده، مثل و مانند ندارد، ولی خدای متعال آن را با نامی که برای ما شناخته شده است نام می برد؛ مثلاً از شراب طهوری نام می برد که با زنجبیل ممزوج است. این مادهٔ معطری بود که عرب به آن علاقه داشت. ۵

در آیات پانزدهم و شانزدهم سورهٔ دهر آمده که درگرداگرد بهشتیان ظرف هایی از نقره و قلع های بلورین می گردانند؛ ظرف های بلورینی از جنس نقره که آن را به اندازه لازم آماده کرده اند. در این ظرف ها، انواع غذاهای بهشتی و در آن قلع های بلورین انواع نوشیدنی های لذت بخش و نشاط آفرین، به مقداری که می خواهند و علاقه دارند موجود است و خدمتکارانش پیوسته گرد آنها دور می زنند و بر آنها عرضه می کنند. عجب این که می فرماید: ظرف های بلورین بهشتی از جنس نقره ساخته شده، در حالی که در عالم دنیا چنین ظرفی مطلقاً وجود ندارد، و ظرف های بلورین را از سنگهای مخصوص که ذوب می کنند می سازند، ولی همان خدایی که این امکان را در سنگ تیره آفرید، که قابل تبدیل به شیشه و بلور باشد، می تواند فلزی همچون نقره نیز بیافریند. ظرف ها و جام های بهشتی هم صفا و شفافیت بلور را دارد، هم درخشندگی و زیبایی نقره را؛ و نوشابه هایی که در آن

است کاملاً نمایان است .

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است : «ینفذ البصر فی فضة الجنة كما ینفذ فی الزجاج ؛ نور چشم انسان در نقره بهشتی نفوذ می کند ، آن چنان که در شیشه و بلور دنیا نفوذ دارد» .^۶

ابن عباس می گوید : همه نعمت های بهشتی شبیه و همانندی در دنیا دارد ، جز ظرف های بلورین که از نقره است که در دنیا شبیه و مانند برای آن نیست^۷ . آن گاه آیه هفدهم از سوره انسان را تلاوت می کند : «در آنجا از جام هایی سیراب می شوند که لبریز از شراب طهوری است که با زنجبیل آمیخته است» .

بسیاری از مفسران تصریح کرده اند که عرب جاهلی از شراب هایی که آمیخته با زنجبیل بود ، لذت می برد ؛ زیرا تندی مخصوصی به شراب می داد . قرآن نیز در اینجا از جام هایی سخن می گوید که شراب طهورش با زنجبیل آمیخته است ، ولی بدیهی است میان این شراب و آن شراب تفاوت از زمین تا آسمان است یا به تعبیر دیگر تفاوت از دنیا تا آخرت است .

به نظر می رسد عرب دو نوع شراب با دو حالت مختلفه داشته : یکی به اصطلاح نشاط آور و محرک ، و دیگری سست کننده و آرام بخش ، اولی را با زنجبیل می آمیخته ، و دومی را با کافور و از آنجا که حقایق عالم آخرت در قالب الفاظ این جهان نمی گنجد ، چاره ای جز این نیست که این الفاظ با معانی گسترده تر و والاتر برای آن حقایق بزرگ استخدام شود . «زنجبیل» را غالباً به همان ریشه و عطر و خوشبویی که در ادویه مخصوص غذا و نوشابه ها به کار می رود ، تفسیر کرده اند .

و در آیه هجدهم از سوره انسان می خوانیم که این جام ها از چشمه ای در بهشت پُر می شود که «سلسبیل» نام دارد . «سلسبیل» به نوشیدنی بسیار گوارا اطلاق می شود که به راحتی در دهان و گلو جاری می شود . بسیاری از صاحب نظران معتقدند «سلیس» از ماده «سلاسه» به معنای «روانی» گرفته شده ؛ همانگونه که به عبارات روان و جالب نیز «سلسبیل» گفته می شود . بعضی دیگر گفته اند از ماده «تسلسل» گرفته شده ، که به معنای حرکت پی در پی است ؛ در نتیجه روان بودن چیزی را تداعی می کند . بنابراین ، هر دو معنی به همدیگر نزدیک است .

بر اساس آیه نوزدهم سوره انسان ، پذیرایی کنندگان این بزم پرسرور ، که در جوار

رحمت حق در بهشت برپا می شود، نوجوانانی جاودانی هستند که بر گرد بهشتیان می گردند و هرگاه آنها را ببینی، گمان می کنی مرواریدهایی پراکنده اند. هم خودشان در بهشت جاودانی هستند، هم طراوت، زیبایی و نشاط جوانی آنها جاودانی است و هم پذیرایی کردن آنان؛ چرا که بر آنها طواف می کنند. تعبیر «مرواریدهایی پراکنده» اشاره ای است به زیبایی، صفا، درخشندگی و جذابیت آنها و هم حضورشان در همه جای این بزم الهی و روحانی. از آنجا که نعمت های جهان دیگر به وصف نمی آید، هر قدر هم الفاظ گویا و رسا باشد به صورت سربسته می افزاید و در آیه بیستم سوره انسان نیز آمده هنگامی که آنجا را می نگری، نعمت ها و ملک عظیمی را می بینی. ملکی است که هرگز زائل نمی شود و فنا نمی پذیرد^۸. و یا نعمت های بهشتی آنقدر گسترده است که از نظر کثرت به وصف نمی آید. ملک کبیر آن است که فرشتگان به هنگام دخول بهشتیان اذن می گیرند، و با سلام به آنها تحیت می گویند. بهشتیان هرچه اراده کنند به آن دست می یابند. پایین ترین فرد بهشتی قلمرو و ملکش به اندازه ای است که وقتی نگاهش می کند، فاصله هزار سال راه را می بیند و ملک دائمی و ابدی و توأم با تحقق تمام آرزوها است. نعمت های فراوان و ملک کبیر از عظمت و وسعت باغ های بهشتیان خبر می دهد.

آیه بیست و یک سوره انسان بیان می دارد که: «بر اندام بهشتیان لباس هایی از حریر نازک سبز، و از دیبای ضخیم است». «سُنْدُس» به معنی پارچه ابریشمین نازک است، در حالی که «استَبْرَق» به معنای پارچه ابریشمین ضخیم است و آنها با دستبندهایی از نقره تزیین شده اند. نقره هایی شفاف که همچون بلور می درخشند، و از یاقوت و ذرّ و مروارید زیباتر است. انتخاب رنگ سبز برای لباس های بهشتی به خاطر آن است که رنگی است بسیار نشاط آفرین، همانند برگهای زیبای درختان. البته رنگ سبز انواع و اقسامی دارد و هر کدام خود دارای لطفی است.

در آیه ۳۱ سوره کهف آمده است که بهشتیان با دستبندهایی از طلا تزیین می شوند: «يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ».

مگر دستبند طلا و نقره زینت زنانه نیست؟ چگونه برای مردان بهشتی این زینت ذکر شده است؟ جواب آن روشن است. چرا که در بسیاری از محیط ها زینت طلا و نقره هم برای مردان است و هم برای زنان. هرچند اسلام زینت طلا را برای مردان تحریم کرده. البته

نوع دستبندهای مردان و زنان متفاوت است و از آیه ۵۳ سوره زخرف که از قول فرعون نقل شده: «فَلَوْلَا أَلْقِيَا عَلَيْهِ أُسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ»؛ «چرا به قومی دستبندهایی از طلا داده شده؟» می‌آید که دستبند طلا برای مردان در محیط مصر نشانه عظمت محسوب می‌شده است. چون برای بیان نعمت‌های بهشتی الفاظ معمولی این دنیا هرگز کافی نیست. راهی جز این وجود ندارد که با این الفاظ، اشاراتی به آن نعمت‌های عظیم و توصیف ناکردنی نمی‌شود. آخرین و مهمترین نعمت از سلسله نعمت‌ها را در آیه بیست و یکم سوره انسان بیان می‌فرماید: «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» «پروردگارشان به آنان شرابی طهور می‌نوشاند». در لابلای این نعمت‌ها، سخن از نوشیدنی‌های گوارا از جام‌هایی که از چشمه سلسبیل پر می‌شود، و بهشتیان از آن سیراب می‌گردند، در میان بود، ولی میان آنها و آنچه در این آیه آمده، فرق بسیار است. زیرا از یکسو، در آنجا ساقی «وَلِدَانٌ مُّخَلَّدُونَ» (الانسان، ۱۹/۷۶)؛ «پسران جاودانی» بودند، اما در اینجا ساقی خداوند است چه تعبیر عجیبی؟ مخصوصاً با تکیه بر کلمه «رَبِّ» . خداوندی که همیشه این انسان را پرورش داده و مالک و مربی او است، وی را در مراحل تکامل همواره پیش برده تا به آخرین مرحله رسیده و اکنون نوبت آن است که ربوبیتش را به حد اعلیٰ برساند، و با دست قدرتش از جام «شراب طهور» بندگان ابرار و نیکان را سیراب و سرخوش کند. «طهور» به معنای چیزی است که هم پاک است و هم پاک‌کننده، به این ترتیب این شراب، جسم و روح انسان را از هرگونه آلودگی و ناپاکی پاک می‌کند و آن چنان روحانیت، نورانیت و نشاط به او می‌بخشد، که وصفش در هیچ عبارتی نمی‌گنجد.

در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است: «یطهرهم عن كل شيء سوى الله»؛ قلب و جان آنها را از همه چیز جز خداوند پاک می‌کند.^۹

پرده‌های غفلت را می‌برد، حجاب‌ها را از بین می‌برد، و انسان را شایسته حضور دائم در جوار قرب خدا می‌کند. نشئه این «شراب طهور» از هر نعمتی برتر و از هر موهبتی بالاتر است. بهشتیان پس از فراغ از حساب و کتاب فشرده الهی در نخستین گام ورود به بهشت، با نوشیدن از این شراب، هرگونه اندوه، ناراحتی و ناخالصی را از درون جان خود می‌شویند، و سرمست از عشق به حق، به استفاده از سایر مواهب بهشتی می‌پردازند. این «شراب طهور» بسیار معطر و خوشبو است که هم ذائقه آدمی از آن لذت می‌برد و هم

شامه . «کافور» نیز نام یکی از چشمه های بهشتی است . به خاطر پوشیده بودن آن در میان غلاف های میوه ، ماده کافور را هم ردیف مشک و عنبر شمرده اند که از بهترین بوهای خوش است . چشمه «شراب طهور» چنان در اختیار ابرار و عبادالله است که هر جا اراده کنند ، از همانجا سربر می آورد .

در حدیثی از امام باقر(ع) نقل شده که در توصیف آن فرموده است : «هِيَ عَيْنٌ فِي دَارِ النَّبِيِّ (ص) تَفْجُرُ إِلَى دَوْرِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُؤْمِنِينَ» ؛ این سرچشمه ای است در خانه پیغمبر اسلام (ص) که از آنجا به خانه سایر پیامبران و مؤمنان جاری می شود» . ۱۰

آری ، همانگونه که در دنیا چشمه های علم و رحمت از خانه پیامبر اکرم (ص) به سوی بندگان خدا و نیکان سرازیر می شود . در آخرت که تجسم بزرگی از این برنامه است ، چشمه «شراب طهور» الهی ، از بیت وحی می جوشد و شاخه های آن به خانه های مؤمنان سرازیر می گردد . ۱۱ نیکان از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است . این از چشمه خاصی است که بندگان خدا از آن می نوشند و آن را از هر جا بخواهند ، جاری می سازند : «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» (الانسان، ۶/۷۶) اگر شراب آلوده دنیا عقل را زایل می کند ، و انسان را از خدا دور می سازد ، اما شراب طهوری که با دست ساقی آلت داده می شود ، او را از «ماسوی الله» بیگانه کرده ، غرق در جمال و جلال او می کند . لطف بیکران الهی که در این آیه و در این نعمت نهفته ، از همه نعمت ها برتر و بالاتر است .

تعبیر به «طهور» در قرآن مجید فقط در دو مورد آمده است : یکی در مورد باران (الفرقان، ۴۸/۲۵) که همه چیز را پاک و زنده می کند و دیگری درباره شراب مخصوص بهشتی (الانسان، ۲۱/۷۶) که آن نیز پاک کننده و حیات بخش است . در این آیه از سوی خدا به آنها گفته می شود این نعمت های عظیم و مواهب بی نظیر پاداش اعمال شما است ، و سعی و کوشش و تلاش شما در طریق اطاعت فرمان حق مقبول و مشکور است : «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا» (الانسان، ۲۲/۷۶) .

مبادا کسی تصور کند ، این مواهب و پاداش های عظیم را بی حساب می دهند ، اینها همه جزای سعی و عمل ، پاداش مجاهدت ها ، خودسازی ها و چشم پوشی از گناه است . میان این مطلب خود لذت و لطف خاصی وجود دارد که خدای بزرگ یا فرشتگان ، ابرار و نیکان را مخاطب ساخته و به عنوان قدردانی و تشکر از آنها می فرماید : اینها همه پاداش

اعمال شما است، و سعی شما مشکور است. بلکه به گفته بعضی مفسران، این نعمتی است ما فوق همه نعمت‌ها و موهبت‌ها.

نتیجه

با توجه به آیات ۵۵ تا ۵۸ سوره «یس»: «شُغْل» به معنای حوادث و حالاتی است که برای انسان روی می‌دهد و او را مشغول می‌سازد، خواه مسرت بخش باشد خواه غم‌انگیز. بهشتیان به امور مسرت بخش مشغول می‌شوند، چون «فاکهون» به معنای خوشحال و خندان می‌باشد. همچنین به آنها همسران بهشتی و همسران با ایمانی که در دنیا داشته‌اند و بر تخت‌هایی در حجله‌گاه در کنار آن هستند داده می‌شود.

در بهشت سایه و آفتاب وجود دارد ولی بهشتیان در زیر سایه‌های لذت بخش هستند. شاید این تعبیر اشاره به لطف الهی داشته باشد و میوه‌های مخصوص و هر نوع غذا و میوه که بخواهند برای آنها مهیا و آماده است و نوری در بالای سر بهشتیان ظاهر می‌شود که نور لطف خداست.

بهشتیان چون در دنیا تابع اراده خدا بودند، در بهشت هم همه چیز تابع اراده آنهاست. بهشت و سایه لطف و سلام گرم خدا منتظر آنان است و تخت راحت و غذای مورد پسند و پیوند محبت آمیز با خدا مایه خوشبختی بهشتیان می‌شود. از هر سو سلام و درود به بهشتیان داده می‌شود. خدا به آنان سلام می‌کند: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس، ۵۸/۳۶)؛ فرشتگان سلام می‌کنند و اهل بهشت نیز به یکدیگر سلام می‌کنند. در بهشت هیچ کس بیکار نیست. «شُغْل» به معنای مشغله‌ای است که عمق و کنه آن وصف‌ناپذیر است.

با توجه به آیات ۱۲ تا ۲۲ سوره انسان، قرآن می‌فرماید: «در برابر صبرشان، بهشت و لباس‌های حریر بهشتی را به آنها پاداش می‌دهند و بر تخت‌های زیبا تکیه می‌کنند و نه آفتاب و نه سرما می‌بینند و در حالی که سایه‌های درختان بهشتی بر آنها فروافتاده و چیدن میوه‌ها برایشان بسیار آسان است. در گرداگرد آنان ظرف‌هایی سیمین و قدح‌هایی بلورین می‌گردانند و از جام‌هایی سیراب می‌شوند که لبریز از شراب طهوری آمیخته با زنجبیل است و از چشمه‌ای که در بهشت به نام «سلسبیل» است می‌نوشند و پسرانی جاودانی برای پذیرایی از بهشتیان می‌بینی که هرگاه آنها را ببینی، گمان می‌کنی مروارید پراکنده‌اند

و به اندام بهشتیان لباس هایی از حریر نازک سبزرنگ و لباس های ضخیم سبزرنگ می بینی که با دستبندهایی از نقره آراسته اند و پروردگارشان به آنها «شراب طهور» می نوشاند». این پاداش شماسست و خداوند در برابر صبر و شکیبایی بندگانش از آنها قدردانی می کند و این نعمت ها را به آنها پاداش می دهد.



- | | |
|-------------------------------------|--------------------------|
| ۱. قره العیون/۳۶۶؛ کلمات مکنونه/۸۰. | ۷. روح المعانی، ۱۵۹/۲۹. |
| ۲. دیوان جامی. | ۸. مجمع البیان، ۴۱۱/۱۰. |
| ۳. تفسیر نور، ۵۵۱/۹. | ۹. همان، ۶۲۳. |
| ۴. ترجمه المیزان، ۱۵۰/۱۷. | ۱۰. تفسیر نمونه، ۳۵۰/۲۵. |
| ۵. مجمع البیان، ۴۱۱/۱۰. | ۱۱. همان. |
| ۶. بحار الأنوار، ۱۱۱/۸. | |